

مطالعه تطبیقی تکرار جرم در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*

** نفیسه متولی زاده (نویسنده مسئول)

*** صدیقه گلستانرو

**** لیلا مهرابی راد

چکیده

علل تشدید مجازات با توجه به اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از علل عام تشدید مجازات، تکرار جرم است. شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم و حدود تشدید در بحث تکرار جرم، اهمیت دوچندان دارد، زیرا در صورت اشتباه، اگر میزان مجازات کمتر یا بیشتر از میزان جرم باشد، اصل عدالت کیفری را زیر سؤال می‌برد. با نگاهی تطبیقی به مسئله تکرار جرم در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود که هرچند تکرار جرم در هر دو از عوامل تشدید مجازات هستند، اما در مجازات تعزیری تفاوت‌هایی در مورد شرط اجرا یا عدم اجرای حکم قبلی، تأثیر مرور زمان و اعاده حیثیت، میزان تشدید مجازات و تخفیف یا عدم تخفیف مجازات در صورت تکرار جرم وجود دارد.

کلید واژه‌ها: تکرار جرم، تشدید مجازات، فقه، قانون مجازات.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵.

** استادیار دانشگاه آیت‌الله حائری، میبد / motavallizade@yahoo.com

*** دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آیت‌الله حائری، میبد / golestanroo4722@yahoo.com

**** مربی دانشگاه پیام نور / nmr5493@yahoo.com

مقدمه

مجازات، با اهداف مختلفی همچون اصلاح مجرم و بازدارندگی او از ارتکاب مجدد جرم تعیین و اجرا می‌شود اما هنگامی که شخصی پس از محکومیت قطعی یا تحمل مجازات، یک بار دیگر مرتکب جرم شود، نشان از آن دارد که مجازات تأثیر لازم را بر او نداشته است، چنین وضعیتی در حقوق جزای عمومی تحت عنوان تکرار جرم، مورد توجه و بررسی حقوقدانان قرار گرفته است. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۹۹؛ انصاری، ۱۳۸۶: ۱۹۵)

اینکه با چنین مجرمی چگونه باید برخورد کرد و آیا تشدید مجازات او لازم است یا خیر؟ پرسش‌هایی هستند که در این باره مطرح شده است.

تکرار جرم، بیانگر سلسله‌ای از ناتوانی‌ها و کاستی‌ها از جمله کوتاهی فرد در انتخاب رفتار موافق انتظارات جامعه یا کوتاهی او در مقاومت در برابر ارتکاب جرم، ناتوانی فرد به عنوان یک مددجوی نهادهای اصلاح و تربیت جهت بهره‌مندی از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی آنها یا ناتوانی و قصور چنین نهادهایی جهت آماده‌سازی برنامه‌های بازپروری و همچنین بیانگر کوتاهی فرد در قالب ادامه فعالیت مجرمانه پس از آزادی است. (غلامی، ۱۳۸۲: ۳۷) از این رو، این مسئله همواره از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به اینکه قانونگذار جمهوری اسلامی همواره قوانین را بر مبنای فقه و حقوق اسلام تدوین می‌نماید، نگاهی تطبیقی به تکرار جرم در فقه شیعه و قانون جمهوری اسلامی از نظر شیوه برخورد با تکرارکنندگان جرم، برای روشن شدن مبنای عملکرد قانونگذار ضروری به نظر می‌رسد. پرسش اصلی که درباره تکرار جرم مطرح می‌شود این است که شیوه برخورد با پدیده تکرار جرم در قانون مجازات جمهوری اسلامی چه وجوه اشتراک و افتراقی با دیدگاه فقها دارد؟

هرچند پژوهش‌های گوناگونی درباره تکرار جرم صورت گرفته است، اما بیشتر این پژوهش‌ها مربوط به قانون مجازات سابق است؛ مانند مقاله «پیشگیری از تکرار جرم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا» که توسط باقر شاملو و مهدی موسی‌زاده در مجله مطالعات پیشگیری از جرم (۱۳۸۹) نوشته شده است یا مقاله «تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران» که توسط حسن پوربافرانی در مجله مدرس علوم انسانی (۱۳۸۴) چاپ شده است. در پژوهش‌های جدید نیز بررسی تطبیقی تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق ایران و توجه به مبنای فقهی مورد بررسی قرار نگرفته است و از

جهات دیگر به پدیده تکرار جرم پرداخته‌اند، مانند مقاله «ماهیت تکرار جرم» که توسط ابوالحسن شاکری و مصیب قدمی‌عزیزآباد نوشته شده و در مجله مطالعات حقوق (۱۳۹۶) منتشر شده است که تمامی موارد یادشده تنها به بررسی ماهیت این پدیده پرداخته‌اند. مقاله «بررسی فقهی حقوقی تکرار جرم با تأکید بر ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی» نیز که توسط یوسف نورائی (۱۳۹۴) نوشته شده است، فقط به تکرار جرایم حدی توجه نموده است.

نگارندگان در این پژوهش بر آن هستند با توجه به تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) صورت گرفته است، مسئله تکرار را در جرائم گوناگون مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار دهند.

چیستی تکرار جرم در حقوق ایران

تکرار جرم به پیروی از قانونگذار و مقرراتی که در این باره وضع نموده، تعریف شده است. این مسئله نخستین بار در حقوق جزای ایران در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ مطرح شد و در قانون اصلاحی سال ۱۳۱۰ مورد بازنگری قرار گرفت که بر مبنای آن، اگر محکومین به جزای جنایی تا ده سال از تاریخ پایان مدت مجازات و محکومین به حبس تأدیبی بیش از دو ماه تا پنج سال از تاریخ پایان مجازات اقدام به جنحه مهم یا جنایتی می‌کردند، تکرارکننده جرم بوده و مجازات آنها تشدید می‌شد و دادگاه می‌توانست در برخی موارد از مجازات تکمیلی اجباری استفاده نماید.

نویسندگان حقوق کیفری ایران، تعریف‌های گوناگونی از تکرار جرم ارائه داده‌اند که همگی همان مضمون قانون را بیان می‌دارد:

وقتی شخصی به دلیل ارتکاب جرم به حبس جنحه‌ای یا جنایی محکوم می‌شود و از زمان قطعیت حکم تا زمانی که هنوز آثار عمل مجرمانه از نظر قضایی به قوت خود باقی است، مرتکب جرم دیگری می‌شود، جرم بعدی او به دلیل تحقق تکرار جرم مشمول مجازات‌های سنگین‌تری خواهد بود. (صانعی، ۱۳۷۶، ج ۲:

(۲۶۱)

این تعریف طبق ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ است:



هر کس به موجب حکم قطعی به حبس جنحه‌ای یا جنایی محکوم شده و از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان، مرتکب جنحه یا جنایت دیگری بشود مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود.

با انقلاب اسلامی و تغییراتی که در قانونگذاری انجام گرفت، در سال ۱۳۶۱ ماده ۱۹ قانون راجع به مجازات اسلامی درباره تکرار جرم مقرر گردید که با توجه به تقسیم‌بندی مجازات‌ها به تعزیری و بازدارنده از یک‌سو و مجازات‌های معین شرعی از سوی دیگر، چنین بیان می‌دارد:

هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب همان جرم گردد، دادگاه می‌تواند مجازات او را در صورت لزوم تشدید نماید.

این ماده با تغییر اندکی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در ماده ۴۸ مورد پذیرش قرار گرفت که مقرر می‌دارد:

هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه می‌تواند در صورت لزوم، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید.

سرانجام در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۳۷ چنین مقرر می‌دارد:

هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌گردد.

درباره جرایم حدی ماده ۱۳۶ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است».

با توجه به رویکردهای متفاوت قانونگذار در برخورد با تکرار جرم، در یک تعریف جامع از تکرار جرم می‌توان گفت

تکرار جرم از ناحیه بزهکار زمانی صورت می‌گیرد که پس از محکومیت اول و یا اجرای آن -حسب قانونگذاری‌های مختلف- مجدداً حالت خطرناک خود را نشان می‌دهد و به جرم تازه‌ای دست می‌زند. (نوربها، ۱۳۸۸: ۴۰۰)

برخی نویسندگان حقوق کیفری نیز چنین معتقدند:

تکرار جرم وضعیت مجرمی است که سابقه محکومیت جزایی داشته و یکبار دیگر مرتکب جرم شده باشد، در این حالت است که تکرار جرم تحقق پیدا کرده و مجرم مشمول مجازات سنگین‌تری قرار می‌گیرد. پس شرط تحقق تکرار جرم این است که مجرم لااقل یک محکومیت قطعی قبلی داشته باشد. (شامبیانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۶۷)

بنابراین تکرار جرم، حالت مجرمی است که به دلیل ارتکاب جرم در گذشته سابقه محاکمه دارد و در قانونگذاری‌های مختلف، شرایط گوناگونی برای آن در نظر گرفته شده است.

ضرورت یا عدم ضرورت تشدید مجازات در تکرار جرم

وقتی یک فرد به دلیل ارتکاب جرم و برهم‌زدن نظم و امنیت اجتماع محکوم به تحمل مجازات می‌شود، آن گاه پس از این تجربه، یکبار دیگر مرتکب جرم می‌گردد، مسئله از دو جنبه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ یکی اینکه از جنبه اجتماعی، زندگی و امنیت دیگر انسان‌ها با وجود چنین شخصی در معرض خطر است، چون مجرمی که با وجود تحمل مجازات و سختی‌های آن، باز هم اصلاح نشده و به قوانین حاکم بر اجتماع انسانی پشت نموده است، می‌تواند بار دیگر نظم و امنیت را از بین ببرد، از این رو برخورد محکم‌تر و مجازاتی شدیدتر می‌تواند اقدامی برای بالا بردن ضریب امنیت باشد و اینکه امیدوار بود شاید این حرکت باعث اصلاح او گردد.

جنبه دوم، جنبه فردی شخص مجرم است، زیرا هرچند او با ارتکاب جرم جنبه خطرناک وجودی خود را نشان داده، اما با این همه، او یک انسان است و در این اجتماع زندگی می‌کند و به طور قطع، مسائل مختلفی دست‌به‌دست هم داده تا او مرتکب جرم شود و حتی پس از مجازات نیز یکبار دیگر با وجود آگاهی به سختی مجازات، اقدام به چنین عملی نماید. این همه، ذهن انسان را مشغول می‌کند که به جای تشدید آزردهندگی مجازات بر او باید به امور دیگری توسل جست تا چنین انسانی به همزیستی با دیگر انسان‌ها بازگردد.

رفع این تعارض و اینکه کدام جنبه بر دیگری برتری دارد، باعث ایجاد اختلاف در میان حقوقدانان شده است؛ گروهی از ایشان با ترجیح اجتماع، تشدید مجازات را لازم دانسته و گروهی نیز با مقدم دانستن مجرم، معتقد به عدم تشدید مجازات شده‌اند.



جرم‌شناسان با اعتقاد به اینکه مبارزه با تکرار جرم فقط با ابزار کیفری موفق نیست، معتقدند به جای تشدید مجازات باید به روش‌هایی که به نوعی اجتماعی کردن دوباره بزهکاران و اصلاح شیوه تفکر و اندیشه آن‌ها از یک سو و افزایش کارایی و مهارت‌های زندگی آنان از سوی دیگر تکیه دارند، تأکید ورزید، زیرا شدت و خشونت قوانین کیفری و تشدید مجازات بزهکاران، بدون توجه به مبانی علمی و جرم‌شناختی و ترجیح کیفر بر اصلاح بزهکاران می‌تواند نتایج معکوسی برای نظام عدالت کیفری به دنبال داشته باشد. (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۹۱-۲۸۸)

این دیدگاه از همان نگاه انسانی به مجرم ناشی می‌شود و اینکه او تنها مقصر در تکرار جرم نیست، بلکه عوامل دیگری نیز در این میان وجود دارد که لازم است مورد توجه قانونگذار قرار گیرد، مانند محیط نامناسب زندان و هم‌نشینی با سایر زندانیان و عدم مراقبت یا کافی نبودن مراقبت‌های پس از مجازات. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۶۷)

در مقابل، طرفداران تشدید مجازات و سیاست بازدارندگی مجازات‌ها، با اولویت دادن به اجتماع، معتقد به برخورد جدی‌تر با تکرارکنندگان جرم هستند. استدلال ایشان بر این امر و مهم‌ترین نکات الگوی ایشان عبارت است از:

۱. عدالت، هدفی فوق‌العاده اساسی‌تر و حیاتی‌تر از بازپروری مجرم است؛
۲. با در نظر گرفتن اراده آزاد، مرتکبان جرم نسبت به نتایج رفتارهای خلاف قانون خود مسئول هستند؛
۳. بزهکاران مستحق مجازات هستند و هدف از مجازات نفع اجتماعی نیست؛
۴. مفهوم بازپروری از عدالت، امری واقعی نیست و اعتباری ندارد. (غلامی، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۳)

با توجه به این امور و اینکه تکرارکنندگان جرم نسبت به تبهکاری که سابقه محکومیت ندارد، حالت خطرناک‌تری دارند و با وجود محکومیت اصلاح‌نشده‌اند، باعث لزوم تشدید مجازات چنین اشخاصی است.

با توجه به نظریات مطرح‌شده، به نظر می‌رسد بهتر است به هیچ‌یک از موارد بیان‌شده، به‌تنهایی اکتفا نشود، بلکه بین تشدید مجازات به منظور بازدارندگی و اصلاح و بازپروری برای کمک به مجرم جمع نمود. این امر باید به صورت موردی و با توجه به جرم، میزان خطر آن برای اجتماع، مجرم و مجازات اعمال‌شده، صورت گیرد و



قانونگذار در برخی موارد اقدام به تشدید مجازات و در مواردی نیز تأکید بر اقدامات اصلاحی نماید.

شیوه برخورد با تکرار جرم در فقه امامیه

با مراجعه به منابع شرعی و آرای فقها چنین دریافت می‌شود که شارع در برخورد با تکرارکنندگان جرم، روش یکسانی ندارد. در برخی موارد تشدید مجازات را اعمال نموده اما در برخی موارد معتقد به تشدید نیست. به منظور پی‌بردن به سیاست جنایی شارع و حقوق جزای عمومی اسلام درباره تکرار جرم لازم است مجازاتی که در فقه بیان شده، مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور و برای جلوگیری از طولانی شدن بحث به صورت مختصر این موارد را مورد اشاره قرار می‌گیرد.

قبل از بررسی تکرار جرم در جزائیات اسلام ذکر این نکته لازم است که فقها در یک تقسیم‌بندی با توجه به مجازات مقرر در اسلام، گناهان را به سه دسته تقسیم می‌کنند؛ نوع اول گناهایی که دارای حد هستند و گاهی کفاره هم به حد اضافه می‌شود، مانند سرقت و زنا. به جز جرایم مستوجب حدود و قصاص و دیه، دیگر جرایم داخل در این نوع نیستند، زیرا فقط این جرایم هستند که اسلام برای آنها حد، یعنی مجازات معین شرعی، جعل کرده است. نوع دوم، گناهایی که دارای کفاره‌اند ولی حد در آنها نیست، مانند باطل کردن روزه و یا احرام. نوع سوم، گناهایی که نه دارای حد هستند و نه دارای کفاره، مانند شروع در سرقت و خوردن مردار و آنچه تحت دو مورد قبلی قرار نمی‌گیرد. گناهایی که تحت این نوع قرار می‌گیرند به دلیل کثرت قابل شمارش نیستند، چون این‌گونه گناهان حدوصری ندارد و اجماع فقها بر این است که در این‌گونه از گناهان تعزیر است. (عوده، ۱۳۷۲: ۱۵۲-۱۵۰) با مراجعه به منابع فقهی به بررسی قوانین تکرار جرم در جزائیات اسلام پرداخته می‌شود.

۱. تکرار در قصاص و دیات

با بررسی نظر فقها و ادله مطرح شده مشخص می‌شود که سابقه محکومیت به قصاص یا دیه، موجب تشدید مجازات مرتکب نمی‌گردد و شارع درباره شخصی که برای نخستین بار متعرض جنایت به جان یا عضو دیگری شده و کسی که برای بار دوم یا مرتبه چندم دست به ارتکاب این‌گونه جرایمی زده است، حکم یکسان داده و تکرار را موجب تشدید مجازات ندانسته است. به عنوان مثال اگر کسی پای دیگری را



قطع کند و یا چشم او را کور کند، وجود سابقه اجرای قصاص بر مجرم و یا پرداخت دیه، عاملی برای تشدید مجازات او نخواهد بود.

اینکه چرا شارع درباره این جرایم چنین نظری داده، جای تأمل و اندیشه است. پاسخ به این گونه پرسش‌ها می‌تواند سیاست جنایی اسلام و الگوی مورد نیاز مسلمین در حقوق جزا را به آنان بدهد. به نظر می‌رسد از آنجا که قصاص در واقع نوعی مقابله به مثل است، کامل‌ترین نوع مجازات است و مجرم با این مجازات به طور کامل به سزای عمل خود رسیده و از این رو در صورت تکرار جرم، تشدید مجازات او عادلانه نباشد، زیرا گویی او اقدام به آسیب‌زدن به خودش نموده است، در شرایطی که می‌داند قصاص و مجازات همانند عملش در انتظار اوست. درباره دیات نیز می‌توان گفت به دلیل ماهیت دوگانه مجازات و جبران خسارت (دیلمی، ۱۳۹۲: ۱۲۹) شارع جنبه جبران خسارت را مورد توجه قرار داده و حکم به تشدید تکرار را از این دیدگاه جاری ننموده است. به هر شکل آنچه اهمیت دارد، این است که شارع درباره بخش مهمی از جرایم که جنبه حق‌الناسی دارند، تشدید مجازات در تکرار جرایم را لازم ندانسته است.

۲. تکرار در حدود

هرچند حد، در یک معنا به همه مجازات‌های شرعی اطلاق می‌شود اما در معنای خاص و در کتاب‌های فقهی به مجازات‌های معین شرعی، حدود گفته می‌شود؛ البته در تعداد این مجازات‌ها اختلاف است. فقها گاهی برخی از این مجازات‌ها را فرع بر دیگری قرار داده‌اند، از این رو بعضی از فقها تعداد آنها را نه^۱ و برخی شش مورد و کمتر یا بیشتر دانسته‌اند.

برای یافتن سیاست جنایی اسلام درباره تکرار جرایم مستوجب حد، لازم است نظر فقها در این باره مورد کنکاش کوتاه قرار گیرد. نکته‌ای که قبل از بررسی تکرار جرم در حدود باید بیان شود، آن است که مبنای حکم تشدید مجازات در تکرار جرم قاعده «اصحاب الكبائر یقتل فی الثالثه» است که برگرفته از روایت کلینی از امام صادق (ع) است که فرموده‌اند: «اصحاب الكبائر کلها اذا اقیم علیهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثه»؛

^۱ . براین اساس، این جرایم عبارت‌اند از: زنا، لواط، سحق، قیادت، شرب خمر، قذف، سرقت، محاربه و افساد فی الارض.

اشخاصی که مرتکب گناه کبیره شوند، هرگاه دو بار حد بر آنها جاری شد، در مرتبه سوم کشته می‌شوند». (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸: ۳۱۴) این روایت صحیح و صریح الدلاله است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۲۰)

۳. تکرار جرایم جنسی

با توجه به روایات مختلفی که بیان می‌دارد زنا و لواط از یک‌سو و زنا و مساحقه از دیگر سو، حد یکسانی دارند، تکرار این جرایم نیز دارای حکم یکسان هستند. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸: ۴۲۵) مشهور فقها در صورت تکرار جرم زنا، تفخیز و مساحقه و سه بار اجرای حد بر ایشان، قتل مرتکب را در مرتبه چهارم لازم دانسته‌اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق: ۷۷۷؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵ق: ۵۱۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۹۴۳-۹۳۷)

در مقابل، برخی از فقها حکم به قتل ایشان در مرتبه سوم و پس از دو بار اجرای حد داده‌اند. (حلی، ج ۳: ۴۶۷-۴۶۱) آیت‌الله خویی درباره مرتکب زنا، قتل در مرتبه چهارم را لازم می‌داند، اما با نفی همانندی حد لواط و سحر با زنا حکم به قتل ایشان در مرتبه سوم داده است. (خویی، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۹-۲۳۹)

مشهور فقها برای اثبات لزوم حکم قتل بر تکرارکننده زنا به روایاتی که به این مسئله دلالت دارد، استناد کرده‌اند. از جمله این روایات، صحیح ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام است: هرگاه زناکار سه بار تازیانه بخورد، بار چهارم کشته می‌شود. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸: ۳۱۴) و برای جرم سحر و لواط به روایات دال بر همانندی این حدود استناد کرده‌اند. (همان: ۴۱۶ و ۴۲۵) اما آیت‌الله خویی این نظر را قیاس مع‌الفارق دانسته است. (خویی، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۹)

در مجموع با توجه به قاعده «درء» و اینکه اجرای حکم در مرتبه سوم با شبهه مواجه است و اینکه در مسئله دماء باید احتیاط کرد و از سوی دیگر بنای حدود نیز بر تخفیف است، قول مشهور با مبانی فقهی و اصولی سازگاری بیشتری دارد.

الف) تکرار جرم قذف

درباره جرم قذف نیز فقها دو قول را مطرح نموده‌اند؛ مشهور، قتل قاذف را در مرتبه چهارم و پس از سه بار اجرای حد لازم دانسته‌اند. (شیخ طوسی، بی‌تا: ۷۲۵؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۲۸) اما صاحب سرائر و مبانی تکملة المنهاج درباره این جرم نیز همچون لواط

و سحق قتل او را در مرتبه سوم و پس از دو بار اجرای حد لازم دانسته‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۵۱۹؛ خوبی، بی‌تا، ج ۱: ۲۶۱)

دلیل قول مشهور احتیاط در دماء (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹: ۴۴۸) و این است که عمل زنا، فاحش‌تر از کذف است (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱: ۴۲۷) اما غیر مشهور در اینجا قائل به عدم وجود شبهه هستند و به صحیح‌های که یونس بن عبدالرحمن از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است، استناد می‌نمایند.^۱ در مجموع با توجه به مبانی فقهی، قول مشهور به احتیاط نزدیک‌تر است. (همان)

ب) تکرار شرب خمر

درباره این جرم به خلاف جرایم قبلی، نظر مشهور قتل مجرم در مرتبه سوم است (ابن ادریس، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۴۷۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۵۳۶) اما برخی فقها حکم به قتل شارب در مرتبه چهارم داده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۸: ۵۹؛ شهید اول، ۱۴۱۱ق: ۲۴۱)

مشهور فقها به روایاتی استناد کرده‌اند که بر قتل در مرتبه سوم دلالت دارد و در میان آنها روایات صحیح وجود دارد (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸: ۴۷۹-۴۷۶) اما غیر مشهور به دلیل روایت مرسلی از شیخ صدوق که قتل در مرتبه چهارم را لازم می‌داند و به دلیل اولی بودن زنا از شرب خمر، چنین حکمی داده‌اند. (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹: ۲۰۵) با وجود اینکه قول غیرمشهور به احتیاط نزدیک‌تر است، اما مشهور به دلیل روایات صحیح به قتل در مرتبه سوم حکم داده‌اند.

ج) تکرار جرم سرقت حدی

فقها درباره تکرار این جرم به دلیل وجود نصوص فراوان اختلافی ندارند. در مرتبه اول، چهار انگشت دست راست قطع می‌شود، در مرتبه دوم پای چپ او از مفصل قدم قطع می‌شود، بار سوم برای همیشه حبس می‌شود و در مرتبه چهارم کشته می‌شود؛ در این باره اختلافی نیست. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱: ۵۳۳-۵۲۸)

^۱ اصحاب الكبائر کُلُّها اذا اقيم عليهم الحد مرتين قتلوا في الثالثة. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸: ۳۱۴)

د) تکرار جرم محاربه و قیادت

درباره تکرار جرم محاربه در متون فقهی حکمی نیامده است، اما تکرار محاربه در صورتی متصور است که مرتکب در مرتبه اول محکوم به قطع دست و پا و یا تبعید گردد و اینکه دو مجازات دیگر قتل یا صلب است و قاضی در این باره اختیار دارد، در صورت تکرار جرم، هر یک از مجازات را که مناسب دید اعمال نماید، شاید به دلیل وجود احتمال قتل اشاره‌ای به این مورد نشده است.

اما درباره قیادت نیز نصی بر تکرار وارد نشده و بیشتر فقها درباره آن سکوت کرده‌اند، فقط برخی از فقها در مرتبه اول ۷۵ تازیانه و در مرتبه دوم تبعید را لازم دانسته‌اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۴۲۷؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ ق: ۴۲۷) صاحب *تحریر الوسيله* در این باره می‌گوید: احوط این است که تبعید در مرتبه اول نباشد (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۴۷۱) اما صاحب *جوهر* در این باره می‌گوید: شایسته است به آنچه بر قتل اصحاب کبائر در مرتبه سوم دلالت می‌کند عمل شود یا در مرتبه چهارم و بعد از اینکه در خلال آن حد بر او جاری شد. (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱: ۴۰۱)

با توجه به اطلاق روایت یونس بن عبدالرحمن^۱ و اینکه دلیلی برای عمل نکردن به این روایت وجود ندارد، در نتیجه *قواد* نیز همچون دیگر مرتکبان حدود در مرتبه چهارم کشته می‌شود.

با توجه به اثبات لزوم قتل زانی در مرتبه چهارم و حکم قتل در مرتبه سوم درباره سایر حدود، این شبهه مطرح می‌شود که زنا نسبت به سایر جرایم سنگین تر است، از این رو با توجه به احتیاط در دماء و مسامحی بودن حدود، شاید قتل در مرتبه سوم برای مرتکب سایر حدود صحیح نباشد! با پدید آمدن این شبهه حکم به قتل در مرتبه سوم به موجب قاعده درء منتفی می‌شود. در نتیجه حکم به قتل در مرتبه چهارم بدون معارض باقی می‌ماند.

قانونگذار در قانون مجازات ۱۳۹۲ با جمع‌بندی نظر فقها درباره جرایم مستوجب حد در ماده ۱۳۶ بیان می‌دارد: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است».

^۱ اصحاب کبائر کلها اذا اقيم عليهم الحد مرتين قتلوا في الثالثة. (حرعاملی، بی تا، ج ۱۸: ۳۱۴)

۴. تکرار جرایم مستوجب تعزیر در شرع (تعزیرات منصوص)

با بررسی نصوص شرعی مشاهده می‌شود که فقها درباره تکرار یکی از جرایم تعزیری بحث کرده‌اند که مربوط به اجتماع دو مرد یا دو زن به صورت عریان زیر یک پوشش است. درباره چنین جرمی، مشهور فقها حکم به تعزیر مرتکب داده‌اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق: ۷۸۵؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۴۶۷؛ طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۷۷؛ نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱: ۳۸۶) فاضل هندی دلیل این حکم را اخبار، اصالة البرائه از اجرای حد، احتیاط در خون و درء حدود به اسطه شبهه می‌داند. (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۴۰۸) اما برخی فقها حکم به حد کامل یعنی صد ضربه تازیانه داده‌اند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق: ۱۴۵) ابن‌جنید نیز به نقل از علامه حلی، حکم به صد ضربه تازیانه داده است، اما علامه با پذیرش نظر مشهور به دلیل اصالة البرائه و اینکه در این جرم عمل لواط یا سحوق رخ نداده است، حکم به تعزیر را می‌پذیرد. (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۹: ۱۷۹) اما درباره تکرار این جرم، مشهور فقها پس از دو بار اجرای تعزیر حکم به اجرای حد در مرتبه سوم داده‌اند. منظور از حد همان یکصد تازیانه یعنی حد تام است (همان: ۱۸۳) اما ابن‌حمزه پس از سه بار اجرای تعزیر، قتل در مرتبه چهارم را لازم دانسته (ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ۴۱۴) که فقیه دیگری به آن حکم نداده است.

جمع بندی

با توجه به مباحث مطرح‌شده درباره تکرار جرم در فقه امامیه مشخص می‌شود شارع در مواردی که تکرار را موجب تشدید مجازات دانسته است، برای احراز تکرار جرم اجرای محکومیت سابق و یکسان بودن جرم قبلی و بعدی (تکرار خاص) را لازم می‌داند و در تکرار عام معتقد به تشدید مجازات نیست. از سوی دیگر، صرف‌نظر از اختلاف‌ها و با توجه به اینکه مجازات با جان و مال و حیثیت و آزادی افراد مرتبط است، تکرار جرم در مرتبه دوم و سوم را موجب تشدید مجازات ندانسته و در مرتبه چهارم، تکرار موجب تشدید مجازات به یک درجه شدیدتر می‌شود. به عنوان مثال اگر جرم تکرار شده، تعزیر باشد، مجازات آن حد خواهد بود و قانونگذار اسلام هرچند تعیین تعزیر را به عهده حاکم قرار داده اما مجازات تکرار را معین نموده و حد مشخصی برای آن قرار داده است. شاید دلیلش آن باشد که وقتی



مجرم به طور دقیق بداند که با تکرار جرم چه مجازاتی در انتظار اوست، در ارتکاب جرم بعدی تردید نماید.

در این میان می‌توان دیدگاه دیگری را نیز مطرح نمود که شاید حتی تکرار در حدود نیز موجب تشدید مجازات نیست، زیرا مستند این حکم اخبار واحد است و قاعده احتیاط در دماء مانع عمل به این اخبار می‌شود. صاحب جامع المدارک درباره اخبار واحد مربوط به قتل می‌گوید اعتبار خبر ثقه یا خبر عادل با توثیق بعضی علمای رجال یا تعدیل ایشان از جهت بنای عقلا با استفاده از بعضی اخبار در دماء، خالی از اشکال نیست. به‌ویژه با شدت اهتمام در دماء آیا توجه نمی‌کنید که عقلا در امور خطیره به خبر ثقه اکتفا نمی‌کنند، با اینکه در غیر این امور به خبر ثقه اکتفا می‌نمایند! (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۳۵)

با توجه به این دیدگاه، تنها سند حکم به قتل مرتکب در مرتبه چهارم، خبر واحد است و اجماع علما نیز بر مبنای همین اخبار و مدرکی است. شاید بتوان بر اساس این دیدگاه حکم نمود که در دین اسلام تشدید مجازات مرتکب در تکرار جرم مورد قبول نباشد یا دست کم فقط در مواردی که نص بر تشدید مجازات تکرار جرم در برخی حدود وجود دارد، تشدید را لازم دانست و در سایر موارد مانند محاربه و قیادت به دلیل قاعده درء و احتیاط در دماء، حکم تشدید مجازات را جاری ندانست.

تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی

به منظور بررسی تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات حکومتی) و مقایسه آن با شیوه شارع در برخورد با تکرارکنندگان جرم، ابتدا شرایط تحقق تکرار جرم و چگونگی برخورد قانونگذار جمهوری اسلامی با این امر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شرایط تحقق تکرار جرم

طبق ماده ۱۳۷ و ۱۳۸ ق.م.ا قانونگذار برای محقق شدن تکرار جرم شرایطی را برشمرده است؛

الف) سابقه محکومیت قطعی به مجازات تعزیری

برای وقوع تکرار جرم، محکومیت پیشین مجرم باید قطعی شده باشد، یعنی حکم محکومیت اعتبار امر مختومه را پیدا کرده و لازم‌الاجرا شده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۳:



۱۹۵) پس وقوع جرم جدید، قبل از قطعیت محکومیت پیشین، اثری بر ایجاد تکرار جرم ندارد.

ب) مجازات جرم ارتكابی پیشین و پسین، درجه یک تا شش باشد

یکی از شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم آن است که جرایم ارتكابی پیشین و جدید، مشمول مجازات درجه ۷ و ۸ نباشد. طبق ماده ۱۹ ق.م.ا یعنی مشمول حبس شش ماه و کمتر از آن یا شلاق سی ضربه یا کمتر یا جزای نقدی بیست میلیون ریال و کمتر از آن باشد.

پس نوع جرایم ارتكابی (مشابه بودن یا نبودن) یا اینکه محکومیت پیشین برای جرمی مشابه جرم جدید باشد، مهم نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد میزان مجازات جرم ارتكابی پیشین و پسین است که از درجه یک تا شش باشد. محدودیت تشدید مجازات تکرار جرم به درجات خاص، در واقع نوعی بازگشت به دیدگاه قانونگذار در سال ۱۳۵۲ است که جرایم خلافی را مشمول تکرار جرم ندانسته است.

ج) عدم شمول مرور زمان و عدم حصول اعاده حیثیت جرم سابق

با توجه به اینکه شمول مرور زمان یا حصول اعاده حیثیت، مانند این است که مرتکب، هیچ‌گونه سوءپیشینه کیفری ندارد (اردبیلی، همان: ۱۹۸) شرط دیگری که قانونگذار برای تکرار جرم و تشدید مجازات لازم دانسته، عدم شمول مرور زمان یا حصول اعاده حیثیت است. بنابراین هر محکومی که طبق ماده ۲۵ ق.م.ا اعاده حیثیت شود یا طبق ماده ۱۰۷ همان قانون، مشمول مرور زمان گردد، جرم جدید ارتكابی او، تکرار جرم محسوب نمی‌شود. پس ارتکاب هر جرم تعزیری درجه یک تا شش، از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، موجب تشدید کیفر است. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۶۸) البته در صورتی که به واسطه نسخ قانون یا عفو عمومی محکومیت پیشین محو شود یا آثار کیفری آن از میان برود، احکام تکرار جرم شامل جرم جدید نمی‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۱۹۹)

د) جرایم ارتكایی از جرایم سیاسی، مطبوعاتی و اطفال نباشد

مطابق ماده ۱۳۸ ق.م.ا «مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال اعمال نمی‌شود.» محکومیت اطفال در پیشینه کیفری آنها ثبت نمی‌شود و محکومیت سیاسی و مطبوعاتی نیز پیشینه کیفری محسوب نمی‌شود.

صدور حکم پیشین از دادگاه ایران

برای تحقق تکرار جرم، محکومیت پیشین باید از دادگاه‌های ایران صادر شده باشد. احکام کیفری دادگاه‌های بیگانه حتی اگر به اجرا درآمده باشد، در تکرار جرم بی‌اثر است، مگر آنکه به موجب موافقت‌نامه یا کنوانسیون بین‌المللی، دولت ایران آثار مترتب بر احکام کیفری بیگانه را در قلمرو خود معتبر بشناسد. (همان: ۱۹۸)

۲. حدود اجرای تشدید

طبق ماده ۱۳۷ ق.م.ا در صورت وجود شرایط تحقق تکرار جرم، مرتکب به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود. مطابق این ماده، قانونگذار حکم به لزوم تعیین حداکثر مجازات جرم جدید تا سقف یک برابر و نیم آن، توسط دادگاه نموده است، یعنی در حالی که محدوده عمل قاضی را مشخص نموده، اما آزادی تعیین مجازات متناسب با شرایط ویژه هر متهم را نیز به قاضی سپرده است.

۳. تخفیف مجازات در تکرار جرم

قانونگذار با پذیرش تخفیف مجازات در تکرار جرم در ماده ۱۳۹ ق.م.ا مقرر می‌دارد: در تکرار جرایم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف به شرح زیر عمل می‌شود:

الف) چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.

ب) چنانچه مجازات، ثابت یا فاقد حداقل باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد.

تبصره: چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.



پس اگر دادگاه وجود جهات تخفیف را احراز نماید، دادگاه حق دارد میزان مجازات مرتکب را تا اندازه مشخص شده، کاهش دهد.

مقایسه تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق ایران

هرچند قانون مجازات ایران بر مبنای فقه امامیه است، اما تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق، تفاوتها و شباهتهایی با هم دارند که به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. شباهت‌ها

اساسی‌ترین شباهت تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق عبارت است از:
الف) تشدید مجازات در هر دو؛ فقه امامیه و حقوق ایران، هر دو تشدید مجازات در تکرار جرم را لازم می‌دانند.

ب) لزوم تشدید در برخی جرایم؛ طبق فقه امامیه و حقوق ایران، همه جرایم مستوجب تشدید مجازات نیستند، بلکه برخی جرایم منجر به تشدید مجازات می‌شوند.

۲. تفاوت‌ها

تفاوت‌های تکرار جرم در فقه و حقوق اندک نیست، عمده این تفاوت‌ها عبارت است از:

الف) تفاوت در اجرا یا عدم اجرای حکم پیشین

شارع، برای تحقق تکرار جرم، اجرای حکم قبلی را برای تکرار جرم لازم می‌داند، اما در قانون مجازات اسلامی صرف محکومیت قطعی برای تحقق تکرار جرم کافی است و نیازی به اجرای مجازات و تحمل محکومیت نیست، البته در قانون مجازات پیشین، اجرای مجازات لازم بود، اما قانونگذار در قانون مجازات ۱۳۹۲ اقدام به تغییر این شرط نموده است. این تغییر رویه قانونگذار و عدم پیروی از عملکرد شارع، نشان از درپیش‌گرفتن سیاست سخت‌گیرانه نسبت به تکرار جرم است که منجر به افزایش میزان مجازات می‌شود، درحالی‌که با توجه به تدوین احکامی همچون تعویق صدور حکم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، رویکرد به کاهش مجازات به ویژه مجازات حبس دارد.



از نظر مبانی جرم‌شناسی نیز صرف محکومیت و اینکه شخص هنوز مجازات را تحمل نکرده است، نمی‌تواند دلالتی بر متنبه شدن او داشته باشد. به نظر می‌رسد قانونگذار در این باره به اجتماع و دفاع از آن در برابر مجرم نسبت به شخص مجرم و جنبه انسانی وجود او اهمیت بیشتری داده است.

ب) تفاوت در تأثیر مرور زمان و اعاده حیثیت

در قانون مجازات اسلامی، مرور زمان و اعاده حیثیت در عدم تحقق تکرار جرم مؤثر شمرده شده است و شخص با گذشتن از این سد زمانی می‌تواند از تشدید مجازات تکرارکنندگان جرم رها شود، در حالی که در فقه امامیه این مسئله اثری در تکرار جرم ندارد، زیرا در فقه اسلامی مرور زمان اثری بر رفع سوءسابقه شخص ندارد. فقه‌های شیعه معتقدند که گذشت زمان باعث سقوط کیفر نمی‌شود. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۹۵) شاید بتوان این حکم شرعی را ناشی از جنبه گناه بودن جرایم در شرع دانست که مرتکب باید توبه کند و یا مجازات مربوط به آن را تحمل کند، اما با توجه به اینکه قانونگذار جمهوری اسلامی به دلیل مقتضیات زمان و مکان و تشویق متهمان به عدم ارتکاب مجدد جرم، چنین چیزی را در قانون بیان کرده است، لازمه چنین قانونگذاری آن است که مرور زمان به معنای واقعی و در همه زمینه‌ها از جمله تکرار جرم، مؤثر واقع شود تا دست‌کم در این مدت، امکان ارتکاب دوباره جرم کاهش یابد.

ج) تفاوت در نوع تکرار

با توجه به اینکه در ماده ۱۹ ق.م.ا قانونگذار اقدام به درجه‌بندی مجازات تعزیری به هشت درجه نموده است و درباره تکرار، جرم درجه هفت و هشت را از شمول آن خارج نموده است (مجازات کمتر از شش ماه و جریمه نقدی تا بیست میلیون ریال و شلاق تا سی ضربه) پس قانونگذار مطلق تعزیر را موجب تحقق تکرار جرم و لزوم تشدید مجازات ندانسته است و با توجه به اینکه کلمه تعزیری به صورت مطلق بیان شده، تکرار عام موجب تحقق تکرار جرم شمرده شده است. در حالی که با توجه به رأی فقها درباره تکرار جرم موجب تعزیر و دیگر جرایم، تکرار خاص مورد تأیید قانونگذار اسلام است.

قانونگذار با لازم دانستن تکرار عام جنبه خطرناک بودن مجرم را ملاک حکم قرار داده و صرف ارتکاب دوباره جرم را موجب تحقق تکرار جرم دانسته و در پی آن برخورد سخت‌گیرانه‌تر با چنین مجرمی را ضروری شمرده است. شارع با تأیید تکرار خاص به خلاف قانونگذار، اجرای مجازات مربوط به جرم قبلی و عدم تکرار همان جرم را نشانه تنبه شخص دانسته و جرم جدیدی را که با جرم قبلی تفاوت داشته باشد، موجب تحقق عنوان تکرار جرم شمرده است.

د) تفاوت در میزان مجازات مشدد

در این ماده، قانونگذار میزان تشدید مجازات را بیان نموده و آن را تا یک و نیم برابر محدود کرده است، اما در فقه اسلامی که درباره تکرار جرایم تعزیری مجازات تکرار را به یک درجه بالاتر (از تعزیر به حد) افزایش می‌دهد یا در جرایم مستوجب حد، در صورت تکرار، حکم به قتل شخص داده شده است. البته این مهم باید مورد توجه قرار گیرد که طبق یک دیدگاه شاید بتوان به طور کلی تشدید مجازات ناشی از تکرار جرم را در فقه امامیه مردود دانست.

ه) تفاوت در تخفیف یا عدم تخفیف در تکرار

در قانون مجازات اسلامی تخفیف مجازات در صورت تکرار جرم، پیش‌بینی شده اما در فقه امامیه تخفیف مجازات در این باره پیش‌بینی نشده است. در فقه امامیه مجازات‌ها از نوعی قطعیت برخوردارند و در همان حال که عوامل گوناگونی موجب سقوط مجازات می‌گردند، اما تخفیف مجازات در آن پیش‌بینی نشده است.

نتایج

لزوم تشدید تکرار جرم در حقوق ایران و فقه امامیه درباره برخی جرایم پذیرفته شده است. درباره تکرار جرم در تعزیرات، قانونگذار در بیشتر موارد تکرار جرم را (جرم‌هایی با مجازات درجه یک تا شش) مستوجب تشدید مجازات دانسته و نسبت به قانون مجازات پیشین، اقدام به کاهش قلمرو تشدید مجازات تکرارکننده جرم نموده است، اما همچنان نواقصی در حقوق ایران از نظر شیوه برخورد با پدیده تکرار جرم به چشم می‌خورد که با توجه به مباحث فقهی، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. کاهش قلمرو تکرار جرم در حدود: قانون مجازات اسلامی درباره تکرار جرم در حدود به طور کلی دیدگاه قتل در مرتبه چهارم را پذیرفته است. درباره این حکم با توجه به اختلاف نظر فقها و اینکه در جرایم محاربه و قیادت بیشتر فقها متعرض بیان حکم تکرار نشده‌اند و با توجه به قاعده درء و احتیاط در دماء، از یک سو و تعیین مجازات سنگین اعدام برای تکرار در حدود، تکرار چنین جرایمی مستوجب تشدید نباشد.

۲. بازگرداندن شرط اجرای محکومیت پیشین: از آنجا که تشدید مجازات تکرار جرم به منظور بازدارندگی مرتکب و همچنین به دلیل عدم تنبّه مجرم از مجازات پیشین صورت می‌گیرد، با الهام از حقوق امامیه بهتر است قانونگذار در شرایط تحقق تکرار جرم، اجرای محکومیت سابق را لازم بداند تا از این طریق اهداف مورد نظر تشدید مجازات تکرارکننده جرم و دلیل این اقدام به درستی اعمال شود و با این روش، جمعیت محکومین نیز کاهش یابد. از سویی این شیوه برخورد به دیدگاه جرم‌شناسان و عدالت‌محوری نزدیکی بیشتری دارد.

منابع و مأخذ:

- ابن ادریس حلی، ابی جعفر محمد (۱۴۱۱ق)، *السرائر*، ج ۳، ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن حمزه طوسی (۱۴۰۸ق)، *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن زهره حلبی (۱۴۱۷ق)، *غنية النزوع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲۶، تهران: میزان.
- انصاری قدرت الله و دیگران (۱۳۸۶)، *تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا*، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پوریافرانی، حسن (۱۳۸۴)، *تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران*، مجله مدرس علوم انسانی، ش ۴۱، ص: ۴۶-۲۵.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (بی تا)، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- خمینی، سید روح الله (بی تا)، *تحریر الوسيلة*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۱، قم: دارالهادی.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، *الانتصار*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵ق)، *جامع المدارک*، ج ۲، تهران: نشر صدوق.
- شامبیانی، هوشنگ (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، ۱۱، تهران: مجد.
- شاکری، ابوالحسن، قدمی عزیز آباد، مصیب (۱۳۹۶)، *ماهیت تکرار جرم*، مجله مطالعات حقوق، ش ۸، ص: ۴۸-۳۳.
- شاملو، باقر و مهدی موسی زاده (۱۳۸۹)، *پیشگیری از تکرار جرم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا*، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، ش ۱۷، ص: ۲۸-۷.
- شهید اول، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۱ق)، *اللمعة الدمشقیة*، قم: دارالفکر.
- شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة*، ج ۹، قم: داوری.
- شیخ صدوق (۱۴۱۵ق)، *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۱)، *المبسوط*، ج ۸، تهران: مرتضوی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *النهاية*، قم: قدس.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰ق)، *المقنعة*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۶)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، ۷، تهران: گنج دانش.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۰۴ق)، *ریاض المسائل*، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۹ق)، *مختلف الشیعه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶)، *قواعد فقه بخش حقوق جزا*، تهران: سمت.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۲)، *حقوق جزای اسلام (بخش حقوق جزای عمومی)*، ترجمه: ناصر قربان نیا و سعید رهایی.

- غلامی، حسین (۱۳۸۲)، تکرار جرم، تهران: میزان.
- دیلمی، احمد (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی ماهیت دیات در اسلام و خسارت تنبیهی در آمریکا»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، ش ۲.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ق)، کشف اللثام، ج ۲، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- قاضی ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهدب، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، تدوین جهانگیر منصور، ج ۱۳۱، تهران: دیدار.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق)، شرایع الاسلام، ج ۴، ج ۴، تهران: استقلال، (۱۴۰۹).
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳)، جواهر الکلام، ج ۴۱، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نورائی، یوسف (۱۳۹۴)، «بررسی فقهی و حقوقی تکرار جرم با تأکید بر ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۱، ش ۴۰، ص: ۱۴۴-۱۲۷.
- نوربها، رضا (۱۳۸۸)، زمینه حقوق جزای عمومی، ج ۲۵، تهران: گنج دانش.

